

دغدغه‌های یک دهه‌ی هفتادونیمی دوستدار طبیعت

## فرمون سبزینه در دست مارال لوس همسایه

پیش نوشت: طرفدارهای پر و پاقرص نوشته‌های خانم فیاضی نگران نباشید که اسم من رو اون بالا دیدید، چون من موقتا اومدم به این ستون و وقتی خانم فیاضی حالشون بهتر شد خودشون برمی گردن و عنان این ستون رو با قدرت تر از پیش می‌گیرن دست‌شون.

اما حالا که فرمون سبزینه‌ی بیست و سه دست من افتاده می‌خوام قبل از این‌که این صندلی به منم بی‌وفایی خودش رو ثابت کنه، از فرصت استفاده کنم و دور هم یه غری هم بزیم: الان اگه بگم پاندا یا کوالا، شما سریع کوله‌بار اطلاعاتتون از عادات غذایی‌شون و زیستگاه‌شون رو به رخام می‌کشید. ولی وقتی مثلا بگم مارال یا غزال شما فقط قیافه‌ی دختر لوس همسایه‌تون یا اون دختره که هیچ‌وقت اسباب‌بازی‌هاش رو به‌تون نمی‌داد، به ذهن‌تون می‌آد، آخه چرا؟ نه واقعا چرا؟ بیاید دست به دست هم بدیم به مهر، بلکه این پرده‌های کم‌دانشی از حیوانات بومی ایران رو از جلوی چشمان خود بدریم. والا!... حالا درسته که شما این وسط کاره‌ای نیستید و از بچگی هرچی رفتیم بالا پنگوئن بود، اومدیم پایین خرس قطبی بود، اون رو نگاه کردیم کرگدن بود، ولی اگه این‌ور رو عمیق‌تر نگاه می‌کردی گوگل هم بود عزیز من. خب یه جست‌وجویی می‌کردی. از اون جایی هم که ما باید اول یه سوزن به خودمون بزیم، بعد یه جوالدوز به دیگران، من خودم با کلی عرق جبین ریختن رفتم گشتم، چندتا حیوون بومی ناب گیر آوردم که راجع به‌شون یه خورده واسه‌تون نوشتم، باشد که پیگیر این قضیه شوید.



کاملا بالغه، حالا فرض کنید بچه‌اش چه قدر می‌شه دیگه! این حشره‌خور کوتوله توی شمال ایران ساکنه ولی جدیدا توی قشم هم یه ردپاهایی ازش پیدا شده. خوش به حالش! کاش قسمت بشه ما هم یه سفر بریم جنوب از خودمون ردپا به جا بذاریم.

یه ضرب‌المثل چینی هست که می‌گه: «مگه هر کی سیبل داره بایاته؟» این موجود ریزه‌میزه هم موش نیست، بلکه یه حشره‌خور کوتوله است که از دار دنیا فقط سه-چهار سانت قد بهش رسیده و یه رکورد جهانی که مال کوچک‌ترین پستاندار دنیاست. این حشره‌خور کوتوله‌ی سه سانتی که عکسش در بالا هست



به این خرس سرخوش و بی‌خیال خرس قهوه‌ای می‌گن. این هیبت با ابهت، قدش بین ۱۸۰ تا ۲۵۰ و وزنش هم به ۴۰۰ کیلوگرم می‌رسه و وقتی هم‌چین موجود گولاخی که بزرگ‌ترین گوشت‌خوار ایران است، گرسنه می‌شه دیگه واسش فرق نداره که علف بخوره یا آلوچه یا کندوی عسل. هرچی ببینه که فکر کنه شاید خوش‌مزه باشه، سریع می‌اندازه بالا. خرس قهوه‌ای توی نواحی جنگلی البرز و زاگرس زندگی می‌کنه. اگه یه وقت گذرتون به این جاها افتاد و خرس قهوه‌ای دیدید نترسید، به جاش شجاعانه وایسید و به خودتون ببالید (ترجیحا با چند قطره اشک) که هم‌چین موجودی توی طبیعت کشورتون پیدا می‌شه. چون این خرس هر جا که دیده بشه نشون دهنده‌ی پویایی و سلامت اون اکوسیستمه.

این گوزن اسمش شوکاست، شوکا خیلی خوش‌عکسه و برای همین هم انقدر خوش‌قد و هیکل و ورزشکار به نظر می‌آد. ولی در اصل ۶۰ تا ۹۰ سانت بیش‌تر قد نداره و کوتاه‌ترین گوزن ایران محسوب می‌شه. شوکا بیش‌تر توی جنگل‌های شمال و شمال غرب زندگی می‌کنه. این اواخر به‌خاطر از بین رفتن زیستگاهش و شکار بی‌رویه، به طرز خفنی در معرض انقراض، خدایی حیف نیست؟



معرفی می‌کنم: تنها پرنده‌ی اندمیک ایران زاغ بور (یعنی بومی ایران) و هیچ‌جای دیگه‌ی دنیا پیدا نمی‌شه. زاغ بور از خانواده‌ی کلاغ‌هاست، ولی فرقی اینه که رنگش نخودیه! خیلی اهل خونه و خانواده، زمین‌زی، دارای یه حنجره‌ی طلایی که وقتی می‌زنه زیر آواز فقط باید گفت «ناز نفس‌ات» باصفا، ساکن نواحی بیابانی و نیمه‌بیابانی شرق و جنوب‌شرقی ایران، رژیم حشره و دانه داره، هیکل بسیار روی فرم. اگر هم آدم ببینه، ازش زیاد نمی‌ترسه. ولی اون قدر عاقل هست که فاصله‌ی ایمنی‌اش رو رعایت کنه. با همه‌ی این تفصیلات هر اکوسیستمی آرزوشه که یه هم‌چین پرنده‌ی فول‌آپشنی داشته باشه.



همه‌ی این چندتا موجودی که نام بردم، زیاد دل خوشی از وضع این‌همه دخالت بی‌رویه‌ی انسان در طبیعت ندارن. پس از الان یه‌دوره بیش‌تر به فکرشون باشید و برای شروع کارتون برید دنبال باغبان جنگل‌های بلوط ایران بگردید و نتیجه‌ی جست‌وجوهاتون رو هم برای کوله‌پشتی بفرستید و جایزه‌تون رو از خانم فیاضی بگیرید. من این‌جا کاره‌ای نیستم.